



## نیشدارو

از: فر، راوی

توضیح ضروری: کلیه مطالب این صفحه بوسیله خبرنگار اعزامی "نیشدارو" به بورکینافاسو ارسال گردیده و یا از منابع خبری آن ولایت ترجمه شده است. هرگونه شباهت احتمالی میان "ماه من" با "ماه گردون" قبلاً تکذیب میشود.

### واگذار میشود

یک قلم داروی حیاتی با نام تجارتی "نوشدارو"، اکبند، ساخت توران!! به دلیل عدم نیاز!! و رفع حاجت به متقاضیان مشرف به موت با ارز رفاقتی (دو سه تومان کمتر از ارز رقابتی) واگذار میشود.

ورثه<sup>۶</sup> سهراب ولد رستم

### عزت مالش!!

گفت: میدونی از میان اینهمه دارو فقط "مالیدنیها" ارتقاء بهاء یافتند.

گفتم: اینکه از قدیم رسم بود، و نوع خاصی از مالیدن بسیار ارج داشت.

گفت: آخه میگن مظنه آلومینیم بالا رفته، و این دلیل امر بوده.

گفتم: چه ساده‌ای پسر، اگه این مطلب صحت داشت که اول باید آلومینیم هیدروکسایدگرون

میشد.

### دردهای بیدرمان

راوی میگفت چون در کشور بورکینافاسو گهگاه کمبودهای مقطعی، موضعی، مستمر، سیستمیک محدود و نامحدود بعضی اقلام دارویی بروز میکند و هرچند گاه یکبار داروهای یک بیماری نایاب، کمیاب، زریاب!! یا ارزریاب!!! میگردد و عبارتی ناگهان یک درد معمولی "بیدرمان" میگردد، وزارت حفظالصحه ترتیبی داده است که هر هفته لیست اسامی دردهای بیدرمان به آگاهی شهروندان آن ولایت برسد تا بیماران محترم بتوانند در صورت نیاز به بیماریهائی که درمان قابل‌خصول تری دارند مبتلا گردند. راوی میگفت در هفته‌های اخیر تاکید شده که کسی گرد ابتلا به "بواسیر" نگردد!!

## ریاضیات نوین

فیثاغورث یکدفعه در المپیاد ریاضی شرکت کرد. از او پرسیدند: اگر قیمت یک شیشه ۱۲۰ سی سی الگزیبر دیفن هیدرامین ۶۵ ریال بوده باشد، تعیین کنید قیمت یک شیشه ۶ سی سی آنرا؟

راوی میگفت: از جواب فیثاغورث خبر نداریم اما در یک سنگ نبشته مربوط به آن روزگار با خط میخی چنین درج شده که فیثاغورث با جوابی که باین مسئله داد آبروی ریاضی دانهای روزگار را حسابی به باد داد!!

## جدول ضرب داروسازی

مریض داشت دادویداد میگرد که: دکتر گفته داروخانه نسخه رو اشتباهی پیچیده، من توی نسخه آمیول B12 نوشتم ولی داروخانه آمیول B6 داده. با خونسردی ناشی از سی سال تجربه عملی زل زد تو چشم مریض: دکتر بیخود کرده، مگه خودت جدول ضرب نمیدونی؟ خوب مرد حسابی ۲ تا B6 بهت دادم. یعنی دوشیش تا دوازده تا همیشه؟!

## تاریخچه مختصر داروسازی در بورکینافاسو گزارش مستند: از راوی:

در بورکینافاسو دو گروه مختلف در امر دارو دخالت دارند: دواساز و دوابازها اجداد گروه اول بساز و بفروش! بودند یعنی فی الواقع نسخه طبیب را توی داروخانه میساختند و بعد میفروختند. آدمهای ایندسته به زعم خودشان کباده کش "علم" بودند. دسته دوم موقعی وارد کار شدند که خرید و فروش دارو ساده تر شده بود، یعنی داروخانه ها تنها داروهای حاضر و آماده را عرضه میکردند. اینها با وجود اینکه درس "دواسازی" نخوانده بودند اما

از "دوابازی" حسابی سر رشته داشتند. از اینرو بخودشون پراتیکی یابزه زبان بورکینافاسویی "عملی!!" میگفتند.

دسته اول به علمش مینازید و کلفتی کتابهایی که خونده بود، اما دسته دوم به ثروتش مینازید و پینه های سابق دستش!! ایندو دسته سالها توی سروکله هم زدند و برای لحظه ای نتوانستند درویش وارد رگلیمی بنام "داروخانه" بخشند. تا اینکه در مغلوبه جنگ میان ایندو چشم مردم به جمال دسته سوم!! روشن شد که نه علمی بودند و نه عملی. اینها فقط "پرتابل" بودند و بنظر جامعه شناسان نتیجه نفوذ فرهنگ پرتابل سازی ژاپن!!! دسته سومها فقط یک کیف سامسونت داشتند که با فشار یک دکمه بدل به یک دراگاستور قابل حمل و نقل میشد. اینها واقعا "کیمیگر" بودند چرا که اغلب داروهای را که حکم کیمیا داشت. یا داشتند و با "ارز" آزاد میفروختند، و یا نداشتند اما با "عرض" معذرت و قبول بیعانه بهر حال آنرا تهیه میکردند. اینها دودی هم بودند باین معنی که با پس شدن هوا در حوالی دانشگاه، پنداری دود، به آسمان دودی میپیوستند.

چنانچه شاعر فرمود:

لحظه ای چند بر آن چرخ کیود

نقطه ای بود و دگر هیچ نبود  
ناظران معتقدند که برای جهان سوم همیشه راه حل های سوم کار سازتر است.

مگه کار از محکم کاری عیب میکنه؟

مستأصل و عاصی به من متوسل شد که براش آمپول ضد آر-هاش (رگام) تهیه کنم. میگفت ۱۰ روزه دارم دنبالش میگردم... با حیرت نگاهش کردم و گفتم: مگه نمیدونی خاصیت این آمپول اینه که حداکثر تا ۷۲ ساعت بعد از زایمان تزریق بشه نه ۱۰ روز... سری تکون داد: بابا تو هم که مارو دست کم گرفتی عیال حقیر ۱۰ روز پیش تازه تست گراویند کسش (تست تشخیص بارداری) مثبت شده گفتم واسه محکم کاری یه خورده زودتر بگردم دنبال دوا شاید قبل از انقضاء تاریخی که گفتم پیدایش کنم !!!

استمداد از خواجه شیراز

در مطب یکی از دوستان پزشک که بدلیل خلف و عده‌های مستمر بیمه در پرداخت حق ویزیتها از پذیرش دفترچه بیمه و بیمار بیمه‌ای امتناع میکرد با خط خیلی خوش این تابلو نصب شده بود:

در دفتر طبیب "خرد" "عشق" بیمه نیست ای دل به درد خوکن و نام دوا مبر

کل طبیب

یک تابلو بلند بالا پشت ویتترین داروخانه نصب شده بود باین مضمون  
داروی قطعی ریزش مو رسید  
با دفترچه بسیج به هر نفر فقط یک شیشه تحویل میشود.

دردمندان صف کشیده بودند و با دفترچه بسیج یکی یکی جلو میآمدند و از دکتر کچل و کاملاً "طاس داروخانه نفری یک شیشه داروی قطعی ریزش مو خریداری مینمودند.

رشد موسیقی

میگفت یکی از دوستان مشترک بدون اینکه سر رشته‌ای از موسیقی داشته باشه داره "تار" میزنه. پرسیدم مگه میشه؟

گفت چرا که نه. تو هم میتونی ۲۹ تومن بدی یک صابون "تار" بخری بری توی حموم و شروع کنی "تار" زدن !!!